

زن در اسلام_محمد قطب

محمد قطب شخصیت اسلامی و فرهنگی معروف مصری، در سال ۱۳۳۸ هجری در شهرک صعید کشور مصر متولد گردید، و نام پدر وی محمد ابراهیم حسین است، محمد قطب برادر شهید سید قطب از افراد دست اول اخوان المسلمین است. محمد قطب بیشتر از پنجاه اثر علمی و کاربردی بجا مانده است که به تمام مسایل زندگی در پرتو قرآن و حدیث پرداخته است، شیخ محمد قطب، در ۹۵ سالگی در بیمارستانی در «جده» - عربستان سعودی - درگذشت.

محمد قطب در اثر شان تحت عنوان زن در اسلام؛ نخست به وضعیت زنان در غرب از سالیان متمادی تا اکنون می پردازد و بعد در مورد جایگاه زن در اسلام و برتری های را که دین مبین اسلام مختص زنان دانسته است توضیح مفصل ارائه می نماید.

جایگاه زن در غرب

زن در اروپا و سراسر جهان به عنوان موجودی بیارزش به حال خود رها شده بود و کسی، او را انسان به شمار نمیآورد. دانشمندان و فلاسفه درباره آن بحث و جدل میکردند که آیا زن روح دارد یا خیر؟ و چنانچه داشته باشد آیا آن روح، انسانی است یا حیوانی؟! با فرض داشتن روح انسانی، آیا وضعیت اجتماعی و انسانی اش در مقایسه با مرد، مانند برده گان است یا خیر؟ در غرب هرگز زنان به عنوان انسان های شایسته با صرف نظر از بحث شهوت مورد تقدیر و احترام قرار نگرفتند.

نخست می پردازیم به سیر تاریخی جایگاه زن در جوامع غیر اسلامی و وضعیت موجوده زنان در غرب؛

یونان: یونانیان زن را زاده شیطان می دانستند و او را حق دخالت در هیچ موردی را نمیدادند و فقط برای ارضاء غریزه جنسی و خدمت گذاری، از او استفاده می کردند. در یونان زن به آسانی مورد معامله و واگذاری به بیگانه قرار می گرفت.

روم: هر چند رومی ها در قوانین و حقوق، پیشرفت زیادی داشته اند، اما عقیده آن ها درباره زن این بوده است که او را به علت دارانبودن روح انسانی، برای حشر در روز قیامت لایق نمی دانسته اند. در نظر رومیان زن مظهر شیطان و انواع ارواح موزیه بود، از این جهت در خندیدن و سخن گفتن از او جلوگیری می کردند و اکثرا دهان او را جز در موارد خوردن می بستند. در روم زنان همیشه تحت کفالت بودند و احتیاج به قیم داشتند و پس از مرگ مانند اشیاء به ارث برده می شدند.

چین: اگر دختری متولد می شد، خویشان و نزدیکان با نهایت تاسف و ترحم به پدر و کسان نزدیک طفل تسلیت می گفتند. دختران را زنده می کشتند یا به صحرا می افکندند و یا به برده فروشان می دادند. چینیان خیال می کردند خداوند خالق پسران است و شیطان خالق دختران، لذا در نظر آنان پسران با برکت بودند و دختران طوق لعنت. قربانی دوشیزگان برای خدایان در چین مرسوم بوده است .

جاهلیت عرب: زن در میان عرب های جاهلی وضعیت نامناسبی داشته، با فجیع ترین وضع زندگی می کرده و مانند کالایی خرید و فروش می شده و از هر گونه حقوق اجتماعی و فردی حتی حق ارث محروم بوده است. آنان زن را در شمار حیوانات قرار داده و او را جزء لوازم و اثاث زندگی می شمردند. غالبا از بیم قحطی و یا از ترس آلودگی، دختران خود را در روز اول تولد سر می بریدند و یا از بالای کوه بلند به دره عمیقی پرتاب می کردند و گاهی در میان آب غرق می کردند .

همچنین زنده به گور کردن دختران مرسوم بوده است. به عنوان نمونه وقتی از قیس بن عاصم سؤال شد که تا کنون چند نفر از دختران را زنده به گور کرده ای، پاسخ داد: دوازده یا سیزده دختر، به همین منظور آیاتی چند از قران کریم در مزمت و نکوهش آنان بیان شده است، از جمله: «قد خسر الذین قتلوا اولادهم سفها بغیر علم» (۴) ؛ «البته آنان که فرزندان خود را به سفاهت و نادانی کشتند زیانکارند.» و «وکذلک زین لکثیر من المشرکین قتل اولادهم شرکاؤهم» (۵) ؛ «و همچنین در نظر بسیاری از مشرکان، [عمل ظالمانه] کشتن فرزندانشان را بت های ایشان نیکو جلوه داد.»

در عصر حاضر کارشناسان غربی آمارهایی تهیه کرده اند که نشان می دهد امروزه ساختار و نظام اخلاقی در آن جوامع با مشکلات متعددی ست به گریبان است. آمار بالای طلاق، هم جنس بازی، زندگی زوجین در چارچوب های خارج از دایره ازدواج، بی بند و باری فرزندان و سطح بالای حاملگی دختران نوجوان، همه و همه از توابع و پیامدهای الگوی ناتمام و ناصواب غرب در برابری حقوق زن و مرد و آزادی بی قید و شرط زنان در عرصه های مختلف است که علاوه بر از هم گسیختگی و متلاشی شدن نظام خانواده در آن جوامع، باعث شیوع و گسترش فسادهای اخلاقی و از بین رفتن هنجارهای انسانی شده است. در ادامه به ذکر برخی از آمارهای منتشر شده در این باره می پردازیم.

در یک نظر سنجی در آمریکا، نیمی از جوانان با روابط جنسی افراد متاهل با دیگران مخالفتی نداشته اند.

در نروژ، دانمارک و سوئد از هر ده زوج موجود، سه تا چهار زوج زندگی مشترک خارج از دایره ازدواج دارند، البته این میزان در کشورهای کاتولیک که مذهب نقش بیشتری دارد کم تر است. در کشورهای غربی طی چند دهه اخیر تعداد نوزادان نامشروع به شدت افزایش یافته و در بعضی از آن کشورها از مرز ۵۰٪ گذشته است. بنابر آمارهای منتشر شده از طرف سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۱ آمریکا بالاترین میزان طلاق را داشته است.

جایگاه زن در اسلام

یکی از عالی ترین برنامه های اسلام که این دین را سرآمد تمام ادیان قرار داده است، از بین بردن تمام بی عدالتی نسبت به زن بوده است. اسلام بنیان برتری طلبی های قومی، نژادی، جنسی و مالی را ویران نمود و تمام انسان ها از مرد و زن، غنی و فقیر، عرب و عجم، سیاه و سفید، و زشت و زیبا را در یک صف قرار داد.

حقوق زن

یکی از مباحث قابل توجه در مورد جایگاه زنان در اسلام، جایگاه حقوقی آنان است. اگر چه اسلام برای زنان در ابعاد فردی و اجتماعی قوانین ویژه ای وضع نموده ولی در برابر، حقوق شایسته ای برای آنان قرار داده که موجب تعالی شخصیت آن ها است. خداوند حکیم می فرماید: «ولهن مثل الذی علیهن بالمعروف» (۱۱)؛ «و برای زنان همانند وظایفی که بر دوش آن هاست [حقوق] شایسته ای قرار داده شده است.»

(۱) احیاء شخصیت زنان

در طول تاریخ به واسطه برتری جسمانی مردان بر زنان، شخصیت و جایگاه زنان به پایین ترین حد تنزل یافته بود، به طوری که مایه سرافکنندگی و طوق لعنت به شمار می رفتند. به عنوان نمونه قرآن کریم می فرماید: «واذا بشر احدکم بالانثی ظل وجهه مسودا وهو کظیم» (۱۲)؛ «و هرگاه به یکی از آن ها بشارت دهند که دختری نصیب تو شده، صورتش از فرط ناراحتی سیاه می شود و به شدت خشمگین می گردد.» اما اسلام با قوانین بی بدیل خود و گفتار و رفتار پیامبری که رحمه للعالمین بود، شخصیت از دست رفته زنان را احیا کرد و او را مایه رحمت و برکت معرفی نمود، چنانکه رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله می فرماید: «البنات هن المشفقات المجهزات المبارکات» (۱۳)؛ دخترها مایه رحمت، صلاح زندگی و برکت هستند.»

(۲) به رسمیت شناختن حق مالکیت زنان

قبل از اسلام زنان نه تنها حق مالکیت نداشتند، بلکه همچون کالایی خرید و فروش می شدند و در کنار اموال میت به ارث برده می شدند، حتی در کشورهای غربی با آن همه هیاهوی تبلیغاتی و شعار برابری حقوق زن و مرد، تا یک قرن قبل حق مالکیت برای زنان قائل نبودند و بعد از انقلاب صنعتی - آن هم برای تشویق زنان برای حضور در کارخانه ها به عنوان نیروی

کار ارزان قیمت - برای آنان حق مالکیت را به رسمیت شناختند. ویل دورانت مورخ بزرگ می نویسد: «نخستین قدم برای آزادی مادران بزرگ ما قانون ۱۸۸۲ م بود. به موجب این قانون زنان بریتانیای کبیر از آن پس از امتیاز بی سابقه ای برخوردار می شدند و آن این که پولی را که به دست می آوردند حق داشتند برای خود نگه دارند. این قانون عالی اخلاقی را کارخانه داران مجلس عوام و وضع کردند تا بتوانند زنان انگلستان را به کارخانه ها بکشانند. از آن سال تا به امسال سودجویی مقاومت ناپذیری آنان را از بندگی و جان کندن در خانه رهنیده، گرفتار بندگی و جان کندن در مغازه و کارخانه کرده است.

اما اسلام که انسان های کور دل و شهوت پرست قرن بیستم آن را به محدودیت حقوق زنان متهم می کنند، از قرن ها قبل حق مالکیت را برای زنان، به رسمیت شناخته و به هیچ کس حق تصرف در اموال آنان را نمی دهد. خداوند متعال به صراحت می فرماید: «للرجال نصیب مما اکتسبوا وللنساء نصیب مما اکتسبن» (۱۵)؛ «مردان نصیبی از آن چه به دست می آورند دارند و زنان نیز نصیبی از آنچه به دست می آورند دارند [و نباید حقوق هیچ یک پایمال شود].» همچنین برای آنان به انتظار و نیاز آن ها در چهار چوب شریعت، حق ارث معین شده است. «وللنساء نصیب مما ترک الوالدان والاقربون» (۱۶)؛ «و برای زنان نیز از آن چه پدر و مادر و خویشاوندان [به ارث] می گذارند، سهمی است.»

۳) حق حضور زنان در عرصه های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی

در اسلام به زنان حق دخالت در امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی داده شده است، اما مشروط به حفظ عفاف و پاکدامنی و حریم انسانیت. اسلام از طرفی با حضور بی قید و شرط زنان در تمام امور و از بین رفتن حریم های اخلاقی مخالفت کرده و از طرف دیگر برای فعالیت های ضروری اجتماعی با حفظ عفت مانعی ایجاد نکرده است و راه اعتدال که سعادت آنان را در پی دارد در پیش روی آنان قرار داده است.

به شکل نمونه در حوادث فتح مکه ذکر شده است که بعد از فتح مکه به دست سپاه مسلمانان، زنان مکه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می آمدند و با آن حضرت بیعت می کردند.

۴) حق تعلیم و تربیت

یکی از وظایف خطیر پیامبران الهی تعلیم و تربیت است.

هدف اسلام این است که تمام انسان ها در این امر مهم به پیش روند و به درجات عالی کمال نائل آیند، از این رو چنان بستری فراهم نموده که زن ها نیز همچون مردان به فراگیری دانش و تزکیه نفس بپردازند. اسلام نه تنها فراگیری دانش را برای آنان جایز شمرده، بلکه بر آن ها لازم دانسته است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «طلب العلم فریضه علی کل مسلم ومسلمه» (۲۵)؛ «فراگیری علم و دانش بر هر مرد و زن مسلمان لازم و ضروری است.»

اسلام نمی خواهد زنان مسلمان، دوران زندگی خود را با غفلت و بی خبری و به دور از هر گونه ترقی و کمال، سپری کنند.

۵) حق آزادی زنان

یکی از خواسته های فطری و غریزی بشر در تمام دوران تاریخ، آزادی بوده است و هر انسان روشنی ضمیر دوست دارد که آزادانه بیاندیشد و آزادانه انتخاب کند و به آن چه با تعقل انتخاب کرده آزادانه عمل نماید. زنان که حدودا نیمی از جمعیت انسانی را تشکیل می دهند، در قرون متمادی از این نعمت و موهبت الهی محروم بوده اند و در تمام زمینه های فردی و اجتماعی مورد ظلم و جور قرار داشته و در چنگال جبر، محصور بوده اند.

ادیان الهی که از ذات حق سرچشمه می گیرند، قوانین رهایی بخشی انسان ها را بیان داشته اند. دین اسلام نیز که خاتم ادیان و کامل ترین آن ها ست برنامه ها و تعالیم ناب خود را در زمینه آزادی انسان ها و از جمله آزادی زنان به بشر عرضه داشته است. اسلام با قوانینی دقیق و نظام مند در مورد زنان با حفظ معیارها و ارزش های اخلاقی، آنان را از اسارت و بردگی نجات داده و به سوی جایگاه واقعیشان رهنمون ساخته است. در اسلام مرد و زن در یک صف قرار می گیرند و با الفاظی همچون «یا ایها الناس» و «یا ایها الذین آمنوا» مورد خطاب واقع می شوند و با آیاتی همچون «ومن عمل صالحا من ذکر او انثی وهو مؤمن فاولئک یدخلون الجنة» (۲۶) و «کل نفس بما کسبت رهینه» (۲۷) به آنان استقلال در عمل داده می شود.

۶) حق میراث

در اسلام ارث زن نصف ارث مرد است. اگر چه این حکم به تنهایی معقول به نظر نمی رسد، ولی در کنار این حکم شرعی، وجوب نفقه بر عهده مردان گذاشته شده است. در یک نگاه مجموعی به این دو حکم متوجه می شویم که زن ها می توانند آن چه به ارث می برند را در ملک شخصی خود نگه دارند ولی مردها موظفند از تمام مایملک خود در راه معاش زندگی استفاده کنند، که در این صورت به نظر می رسد در نهایت زنان بهره بیشتری از مردان ببرند.

اسلام به ذات خود ندارد عیبی هر عیب که هست از مسلمانی ماست!